

بازنمایی ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی‌شان: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی

سمیه مهدیان^۱

دکتر رضوان حکیم زاده^۲

دکتر سعید صفایی موحد^۳

دکتر کیوان صالحی^۴

چکیده

کیفیت زندگی و منزلت اجتماعی معلمان، نشانه‌ای آشکار از روند رشد و تعالی یا نابودی و تباهی هر جامعه است و کیفیت عقلانیت در سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه را نمایان می‌سازد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ادراک و تجربه زیسته معلمان از منزلت اجتماعی‌شان، مورد واکاوی قرار گیرد. به این منظور ۱۶ معلم از مدارس ابتدایی پسرانه منطقه ۱۴ شهر تهران به شیوه هدفمند، انتخاب و داده‌ها به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. نتایج نشان می‌دهند که شمار اندکی از معلمان به دلیل پررنگ بودن بُعد معنوی حرفه معلمی، از منزلت اجتماعی‌شان راضی هستند، اما در اکثر موارد، معلمان به دلیل مخاطرات در چهار بُعد سازمانی، اقتصادی، اجتماعی و شخصی از منزلت اجتماعی حرفه خود ناراضی هستند. از مهم‌ترین نشانگرهای شناسایی شده مؤثر بر نارضایتی معلمان در بُعد اقتصادی می‌توان به حقوق، مزایا و عدم اعتبار شغلی، در بُعد سازمانی به عملکرد مسئولان، کیفیت ورودیها و ملاکها و معیارهای ارتقا در حرفه، در بُعد اجتماعی به فرهنگ مادی جامعه و معیارهای مادی‌گرایانه منزلت اجتماعی، فرهنگ والدین و دانش‌آموزان، جایگاه حرفه معلمی در مقایسه با سایر مشاغل، عملکرد رسانه‌ها و در بُعد شخصی به کاهش تعلق حرفه‌ای، احساس و افکار شخصی، ذهنیت معلم، رفتار شخصی و اخلاق حرفه‌ای اشاره کرد. کنکاش در مستندات پژوهشی و روایت‌های معلمان نشان داد که وضعیت موجود، تمایل به کار مولد و تعلق حرفه‌ای را به شدت کاهش داده است و ضمن بروز بی‌انگیزگی، کم‌کاری و خستگی مفرط، علاقه به خروج از حرفه معلمی و بروز احساس پشیمانی از انتخاب این حرفه را موجب شده است.

کلید واژگان: جایگاه اجتماعی معلمان، ادراک از منزلت اجتماعی، منزلت اجتماعی، پژوهش کیفی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۳

mahdian92@alumni.ut.ac.ir

۱. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

hakimzadeh@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

s.safaei@nioc.ir

۳. رئیس نظارت و ارزشیابی آموزشی، شرکت ملی نفت ایران

keyvansalehi@ut.ac.ir

۴. استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

مقدمه

نیروی انسانی در هر سازمان از عوامل مؤثر در بقای آن سازمان به شمار می‌آید. سازمان آموزش و پرورش و وسعت وظایف آن، با گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فناوری و پیشرفتهای صنعتی، از شاخصهای مهم رشد در هر جامعه محسوب می‌شود. یکی از وظایف مهم این سازمان، تربیت نیروی انسانی مولد، کارآمد و واجد مهارتهای فنی است (صافی، ۱۳۹۰). تأمین نیازهای معلمان به منزله مهم‌ترین نیروی انسانی آموزش و پرورش برای بالا بردن کیفیت کاری ایشان از موضوعات مهم و مورد توجه مدیریت نیروی انسانی در سازمانهاست. طبق نظر آبراهام مازلو^۱ (۱۹۴۳) نیازهای معلمان همانند سایر افراد شامل نیازهای فردی مانند احساس امنیت در محیط کار، نیازهای اجتماعی مانند داشتن احترام، عزت نفس و احساس ارزشمندی و نیازهای عقلانی است (میرزاییگی، ۱۳۸۷). برآورده شدن این نیازها معلمان را در اجرای نقش حرفه ای خود یاری می‌رساند.

نیاز به منزلت و احترام از نیازهای اجتماعی افراد است. منزلت، پایگاه و موقعیت اجتماعی مناسب برای معلمان به‌عنوان رکن اصلی آموزش و پرورش، نقشی تعیین کننده برای ایفای نقش معلمی در فرآیند آموزش و پرورش دارد. اگر باور داشته باشیم که "بهترینها، بهترینها را می‌سازند"، به اهمیت فوق‌العاده منزلت معلمان در جامعه پی خواهیم برد و به منزلت اجتماعی معلمان توجه بیشتری خواهیم کرد (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲). منزلت و پایگاه اجتماعی مقام و موقعیتی است که فرد با ارزیابی جامعه در ساختار اجتماعی آن جامعه به دست می‌آورد (نیک‌گوهر، ۱۳۸۷). طبق مطالعه هارگریوز^۲ و همکارانش (۲۰۰۶)، منزلت و موقعیت بالا به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن، دولت حرفه‌ای را ارزشمند بشمارد و فرد از پاداش مالی بالا، شرایط کار با کیفیت و ارائه تصاویر مثبت در رسانه‌ها لذت ببرد.

هر جامعه برای ارزش‌گذاری و تعیین پایگاه افراد با نقشهای متعدد دارای ملاکها و معیارهایی است که با سایر جوامع تفاوت دارد. بُعد اجتماعی پایگاه، منزلت شغلی است که پایگاه اجتماعی یک فرد را در سازمان نشان می‌دهد (میچل، ۱۳۸۳). جهت تعیین پایگاه افراد در هر جامعه عوامل و ملاکها و معیارهایی وجود دارد که به‌طور مستقیم، سازنده پایگاه اجتماعی نیستند بلکه این عوامل، معیارهایی جهت تعیین پایگاه افراد هستند (فرسار، ۱۳۷۷). از میان این عوامل می‌توان به شغل، تخصص و صلاحیتهای حرفه‌ای، تحصیلات، مقام علمی و آموزشی، دارایی، ثروت و سطح درآمد،

1. Abraham Maslow
2. Hargreaves

پیشینه خانوادگی و اصل و نسب، تعلق قومی و نژادی، وابستگی حزبی، دین و سیرت نیکو، کارایی و مفید بودن، شیوه و نوع زندگی و الگوهای مصرف اشاره کرد (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲؛ محسنی، ۱۳۷۹؛ فرسار، ۱۳۷۷). در این میان پایگاه شغلی غالباً تنها پایگاهی است که شخص از طریق آن طبقه‌بندی می‌شود (محسنی، ۱۳۷۹). در جوامع گوناگون هر شغل دارای منزلت خاص خود است که شامل ارزش‌گذاری به حرفه‌ها و مهارت‌ها می‌شود. منزلت مشاغل تلفیقی از ملاکها و معیارهایی است که هر جامعه برای شغل و میزان مفید بودن آن قائل است. این منزلت امری ثابت نیست و با توجه به شرایط و تحولات اقتصادی- اجتماعی جامعه تغییر می‌کند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۹).

در جامعه کنونی ما مجموعه‌ای از عوامل، ملاکها و معیارها، پایگاه اجتماعی حرفه معلمی را شکل داده‌اند که به نظر می‌رسد با وجود اهمیت آشکار این حرفه، از منزلت و پایگاهی شایسته و مناسب برخوردار نیست. نتایج تحقیقات قاسمی‌نژاد و اسماعیلی (۱۳۸۳) بیانگر این مطلب است که دانش‌آموزان دختر و پسر شهری و روستایی، موقعیت اجتماعی معلمان را پایین ارزیابی کرده‌اند. به عقیده این دانش‌آموزان داشتن اخلاق خوب و تعلق داشتن به خانواده‌های معروف و محترم در منزلت و موقعیت اجتماعی معلمان مؤثر است. علیزاده و رضایی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود در بررسی روند کاهشی یا افزایشی منزلت اجتماعی معلمان (دبستان و دبیرستان) نیز از سه دهه تاکنون، به این نتیجه دست یافتند که منزلت اجتماعی معلمان طی سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۵ روند کاهش تدریجی داشته است.

علاوه بر این "بشر همواره دیگران را همچون آینه‌ای در برابر خود می‌بیند و به تصور خود در آن آینه عکس‌العمل نشان می‌دهد. این فرآیند در منزلتی که انسانها از رتبه خود در سلسله مراتب اجتماعی ادراک می‌کنند بازنموده می‌شود" و می‌توان گفت که عملکرد شغلی ایشان تابع ادراک منزلت اجتماعی‌شان است (بقایی‌سرابی، ۱۳۸۵). در پژوهشهای انجام شده تاکنون تنها به دیدگاه سایر افراد جامعه از جمله دانش‌آموزان در زمینه منزلت اجتماعی معلمان پرداخته شده است و کمتر به ادراک و تجربه زیسته و شخصی معلمان نسبت به این پدیده مهم اجتماعی توجه شده است. مطالعه ادراک معلمان از منزلت اجتماعی‌شان در پی پاسخگویی به این پرسش است که معلمان چه درکی از منزلت اجتماعی حرفه خود دارند و جایگاه و وضعیت کنونی حرفه خود را در جامعه چگونه ارزیابی می‌کنند. منزلت اجتماعی پدیده‌ای چند بُعدی است که طی آن علاوه بر اینکه جامعه برای یک شغل یا یک گروه منزلت و جایگاهی قائل است، هر فرد نیز برای شغل خود، منزلت و جایگاهی در نظر دارد که در روند اجرای شغل بسیار تأثیرگذار است. این اهمیت و به ویژه فقدان

توجه کافی در مطالعات انجام پذیرفته برای تحلیل ادراک و تجربه زیسته معلمان در زمینه تصویر و تصورشان از جایگاه معلمی در جامعه، پژوهشگران را در مطالعه حاضر واداشت تا به خلاف سایر پژوهشها که تنها به دیدگاه جامعه درباره مشاغل با اهمیت توجه نشان داده شده است، دیدگاه معلمان نسبت به شغلشان را مورد واکاوی عمیق قرار دهند. در این پژوهش تلاش شده تا ادراک معلمان نسبت به منزلت اجتماعی حرفه معلمی مورد کنکاش قرار گیرد و به سوالات پژوهش پاسخ داده شوند. این سوالات عبارت اند از:

۱. معلمان چه درکی از منزلت اجتماعی حرفه خود در جامعه دارند و جایگاه اجتماعی خود را چگونه ارزیابی می کنند؟
۲. معلمان چه دلایلی را در به دست آوردن جایگاه اجتماعی حرفه خود بیان می کنند و منزلت اجتماعی خود را متأثر از چه عواملی می دانند؟

روش

روش پژوهش، روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تأویلی^۱ است. برای انجام دادن مصاحبه، شرکت کنندگان با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ملاک شرکت در مصاحبه، تمایل معلمان به بیان عقاید خود در زمینه موضوع پژوهش بود. فرآیند نمونه گیری در جریان مصاحبه با به اشباع رسیدن داده ها متوقف می شود (کوربین و استراس^۲، ۲۰۰۸). در نهایت در شانزدهمین مصاحبه (۸ معلم زن و ۸ معلم مرد) اشباع نظری حاصل شد. میانگین سابقه تدریس معلمان مرد که در مصاحبه شرکت کرده اند، ۱۸ سال و سابقه تدریس معلمان زن ۲۱ سال است. از میان معلمان مرد، ۵ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند و در میان معلمان زن یک نفر دارای مدرک فوق دیپلم، ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. برای گردآوری داده ها، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. با کسب اجازه از مشارکت کنندگان، مصاحبه ها ضبط شدند. برای تحلیل داده ها نیز از روش استروبرت و کارپنتر^۳ (۲۰۱۱) استفاده شد. به این منظور، مصاحبه های انجام شده، با دقت به جزئیات رونویسی و مکتوب شدند و در چند مرحله مورد بازخوانی قرار گرفتند. در جریان بازخوانیها، گزاره های اصلی به دست آمدند. پس از آن مضامین و مقوله های اولیه برای هر گزاره انتخاب شدند و در نهایت مضامین

1. Hermeneutic phenomenology

صاحب نظران دو شیوه پدیدارشناسی هرمنوتیک تفسیری یا تأویلی و پدیدارشناسی توصیفی یا تجربی را معرفی کرده اند که روش تجربی در مطالعات روانشناختی مورد استفاده قرار می گیرد و روش تفسیری به تحلیل تجربه های انسان در زمینه پدیده مورد نظر می پردازد (بازرگان، ۱۳۸۹).

2. Corbin & Strauss

3. Streubert & Carpenter

نهایی استخراج گردیدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. یادآور می‌شود که ضمن اجرای مصاحبه‌ها، جهت تأیید روایی و دقت^۱ تحقیق، معتبر بودن^۲، اطمینان‌پذیری^۳ و قابلیت تأیید^۴ داده‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. به این ترتیب که یافته‌ها به شرکت‌کنندگان ارائه می‌شدند و نظراتشان دریافت می‌شد. جهت حفظ قابلیت تأیید پژوهش، در تمام مراحل، مستندات به دست آمده با استفاده از کسب نظرات مشارکت‌کنندگان حفظ شدند که همین مسئله، اطمینان‌پذیری داده‌ها و قابلیت تأیید آنها را امکان‌پذیر می‌کند.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر با توجه به مشترکات موجود در بیانات شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها این نتیجه حاصل شده است که اکثر معلمان تجربه و ادراک منفی نسبت به منزلت و جایگاه حرفه خود در جامعه دارند. دلایل ایشان در چهار بُعد اقتصادی، سازمانی، اجتماعی و شخصی ارائه شده است. در ادامه هر یک از ابعاد ادراک شده با استفاده از روایتهای متناسب، مورد تحلیل قرار گرفته است.

ادراک معلمان از منزلت اجتماعی حرفه معلمی

اکثر مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که "منزلت اجتماعی حرفه معلمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟" اظهار داشته‌اند که امروزه حرفه معلمی در جامعه از جایگاه و منزلتی مطلوب برخوردار نیست و از وضعیت موجود، اظهار نارضایتی کرده‌اند. در این میان شماری محدود از شرکت‌کنندگان بیان کرده‌اند که با وجود مشکلات زیاد، حرفه معلمی هنوز در جامعه از منزلت و جایگاهی مناسب برخوردار است. این معلمان معتقد بودند که ابعاد معنوی این حرفه، برایشان به حدی پررنگ است که به ابعاد مادی آن توجهی ندارند و منزلت و جایگاه حرفه‌شان با وجود مشکلات، همچنان محفوظ است و خللی در آن وارد نشده است. یکی از معلمان زن (فوق لیسانس با ۲۷ سال سابقه) در این باره می‌گوید:

"واضح است که وضعیت مطلق مطلوب برای هیچ شغلی در هیچ جای دنیا قابل رؤیت نیست. اگر منظور از منزلت و جایگاه معلم در جامعه ما وضعیت مالی و مادی است باید از این نگاه به حال معلم تأسف خورد. من منزلت شغل خودم رو در مسائل مادی جستجو نمی‌کنم. چون آگه با این دید نگاه کنیم دیگه از آموزش و تربیت چیزی نمی‌مونه".

1. Rigor
2. Credibility
3. Dependability
4. Confirmability

در نقطه مقابل، اظهار عدم مطلوبیت و عدم رضایت از منزلت اجتماعی و جایگاه معلم بیشترین فراوانی را نسبت به رضایت و اظهار مطلوبیت از منزلت اجتماعی و جایگاه معلم دارد. این مطلب بیانگر این است که اکثر معلمان از منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه ای خود در جامعه رضایت ندارند و آن را در سطح مطلوب ارزیابی نمی کنند. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۱۶ سال سابقه) در این باره می گوید:

"منزلت اجتماعی معلمان رو آگه بخوام با سایر شغلها مقایسه کنم، اهمیتی که داره بسیار بالا ولی اون احترامی که براش قائلن بسیار کمه و اون دیدگاهی که واقعاً به معلم دارن اون دیدگاهی که باید باشه نیست. من از شما می پرسم که تو جامعه به چه چشمی به معلم نگاه میکنن واقعاً؟ از شعار بیایم بیرون نگاه واقعی رو میگم. امروز چیزی از معلم و معلمان بزرگ به چشم نیامد و وضعیت مطلوبی برای این حرفه قابل رؤیت نیست".

دلایل ادراک منفی معلمان نسبت به منزلت اجتماعی حرفه معلمی

بر اساس یافته های به دست آمده، عوامل مهم در ایجاد ادراک منفی در میان معلمان نسبت به منزلت و جایگاه حرفه معلمی در جامعه را می توان در چهار بعد کلی دسته بندی کرد:

۱) **بعد اقتصادی:** در میان ابعاد چهارگانه، بعد اقتصادی بیشترین سهم را داشته است. به عقیده معلمان، حقوق و مزایای کم و مشکلات اقتصادی نسبت به نقش مهم و وظایف سنگینی که جامعه به عهده آنها نهاده است از مهم ترین دلایل عدم مطلوبیت منزلت و جایگاه اجتماعی حرفه شان است. این مسئله پیامدهایی داشته که منزلت اجتماعی آنان را تحت تأثیر خود قرار داده است:

الف) نامطلوب بودن وضعیت اقتصادی ایشان و مشکلات مالی موجب می شود تا معلمان، به ویژه معلمان مرد، به شغل دوم و در برخی موارد به شغل سوم روی بیاورند. این پیامد که در میان سایر پیامدها از فراوانی بیشتری برخوردار است به منزلت و جایگاه اجتماعی معلمان لطمه می زند. یکی از معلمان مرد (فوق لیسانس با ۲۱ سال سابقه) می گوید:

"اکثر معلما بعد از شیفت کاریشون یا توی آژانس کار می کنن یا مسافرکشی می کنن. یعنی همون معلمی که داره به دانش آموز درس می ده بعد از درسش می ره مسافرکشی. دانش آموزم سوار ماشینش میشه و معلم دستشو جلو دانش آموز دراز می کنه تا اون ۵۰۰ تومن ۱۰۰۰ تومن کرایه بنذاره کف دست معلمش و این احترام و ابهت معلم رو در مقابل دانش آموز میشکنه".

ب) دومین پیامد مشکلات اقتصادی و مالی حرفه معلمی، بی اعتبار بودن مالی این حرفه در مقابل سایر مشاغل است که بر دیدگاه جامعه و در نهایت منزلت اجتماعی معلمان نقشی بسزا

دارد. یکی از معلمان معتقد بود که این مشکلات اقتصادی حتی در بهره‌مندی از مزایای موجود در سایر سازمانها و ادارات، به‌ویژه بانکها نیز تأثیر داشته است. یکی از معلمان مرد (فوق لیسانس با ۲۱ سال سابقه) این وضعیت را چنین بیان می‌کند:

"یکبار تو به بانک نوشته بودی که به پزشکان ۲۰۰ میلیون وام بدون سپرده داده میشه اما آیا این تسهیلات برای معلمان هم هست؟ نه چون قدرت مالی منو میدونن و از معلمایی که رسمی هستن در نهایت به عنوان ضامن استفاده میکنن".

ج) سومین پیامد مشکلات اقتصادی که منجر به متزلزل شدن منزلت اجتماعی معلمان می‌شود، بی‌انگیزه شدن معلمان برای تلاش بیشتر است. مشکلات مالی و برآورده نشدن نیازهای اقتصادی سبب ایجاد دغدغه‌های ذهنی و روانی در معلمان می‌شود و در نتیجه از یک سو تمرکز لازم را در کلاس درس ندارند و از سوی دیگر توانایی و انگیزه کافی برای بهبود شرایط کلاس و شیوه تدریس خود را دارا نیستند. یکی از معلمان زن (لیسانس با ۱۶ سال سابقه) نظر خود را این گونه بیان می‌کند:

"معلمی که دغدغه زندگی و خرج و مخارج اونو داره، وقت و فرصت و انرژی لازم برای فکر کردن به دانش آموز و تحقیق و پژوهش رو نداره و بیشتر دنبال برطرف کردن مشکلاتشه. اگر معلم درآمد کافی داشته باشه وقتش رو بیشتر برای دانش آموزان میداره و این باعث تخصص معلم میشه و کار تدریس تخصصی می‌شه".

۲) بعد سازمانی: دومین بعد، بعد سازمانی است که شامل مؤلفه‌های عملکرد ضعیف مسئولان

آموزش و پرورش، کیفیت پایین ورودیها و وجود معیارهای نامطلوب برای ارتقا در حرفه است.

- عملکرد ضعیف مسئولان آموزش و پرورش: عملکرد ضعیف آموزش و پرورش از مهم‌ترین دلایل معلمان در بعد سازمانی به شمار می‌رود. به عقیده ایشان آموزش و پرورش به منزله سازمانی که عهده‌دار رسیدگی به امور معلمان است و می‌تواند با برنامه‌ریزیهای مدون و قابل اجرا نقشی مؤثر در بهبود منزلت اجتماعی معلمان ایفا کند، تاکنون عملکرد قابل قبول و قابل دفاعی نداشته است. یکی از معلمان مرد (فوق لیسانس با ۳۰ سال سابقه) می‌گوید:

"مسئولین ما امروزه جایگاه معلم رو فقط با حرف بالا میبرن. یعنی معلمان نزد مسئولین فقط از لحاظ حرف و سخن و مصاحبه جایگاه دارن. منه معلم توی مدرسه شدم مسئول تهیه منابع مالی آموزش و پرورش. من باید اولیا رو قانع کنم که کمک به مدرسه حق شماست درحالی که نیست.

وقتی من مجبورم به خاطر عدم حمایت مسئولین جمع کننده منابع مالی باشم شأن من خیلی خیلی میاد پایین".

به عقیده معلمان، آموزش و پرورش در عمل ارزش قائل شدن برای معلمان را اثبات نمی‌کند. آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود از حد حرف و شعار فراتر نرفته است. طبق نظر ایشان نگرش و عملکرد مسئولان در قبال معلمان تأثیری مستقیم بر جایگاه معلمان دارد، اما تنها سالی یک بار آن هم در روز معلم صرفاً در سخنرانیها و پیامهای تبریک به اهمیت جایگاه معلمان پرداخته می‌شود. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۱۲ سال سابقه) می‌گوید:

"مسئولین فقط در شعار و حرف به اهمیت جایگاه معلم و تلاش برای ارتقای این جایگاه تأکید دارن اونم فقط در روز معلم و مصاحبه‌هایی که انجام میدن و عملاً در این زمینه اقدامی نکردن".

همچنین سازمان آموزش و پرورش نسبت به وضع معیشت و سطح حقوق و مزایای معلمان بی‌توجه است و از دیدگاه مادی‌گرایانه معلمان را تنها مصرف‌کننده می‌داند و تاکنون اقدامی قابل اجرا و قاطع طی یک برنامه بلندمدت و تأثیرگذار برای رفع کردن این مشکلات انجام نداده است. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۱۵ سال سابقه) در این باره می‌گوید:

"مسئولین از یک طرف کوچک‌ترین تلاشی برای رفع مشکلات معیشتی معلمان انجام نمیدن و از طرف دیگه معلمان را افرادی که به دنبال حقوق و اضافه کاری هستن معرفی میکنن و هر روز از مطالبات اونا حرف میزنن. این دیدگاهشون جایگاه معلم رو تنزل داده".

• کیفیت پایین ورودیها و معیارهای نامطلوب برای ارتقا در حرفه: کیفیت ورودیها و معیارهای ارتقای کارکنان در هر حرفه به طور مستقیم بر نتایج خروجیها اثر می‌گذارد. از جمله این نتایج، منزلت و جایگاه اجتماعی حرفه است. به عقیده معلمان ورود افراد ناکارآمد و نالایق به حرفه معلمی و نبودن معیارهای مناسب و عادلانه برای ارتقا از دلایل مهمی است که به کاهش منزلت اجتماعی حرفه معلمی منجر شده است. یکی از معلمان مرد (فوق لیسانس با ۳۰ سال سابقه) عقیده قابل تأملی در این زمینه دارد و می‌گوید:

"یکی از مشکلات اصلی به نظر من اینه که آموزش و پرورش خوب پایش نکرده. معلمایی که انتخاب میشن باید حداقل به شاخصهایی رو داشته باشن. رشته تحصیلی‌شون باید مرتبط باشه و اخلاق و شخصیت شون باید مدنظر قرار بگیره. اما متأسفانه الان داریم معلمایی رو که از رشته‌های غیر مرتبط هستن. یکی از مشکلات دیگه همین بحث سرباز معلم بود و هست. وسط سال مهلت خدمت این سرباز معلمان تموم میشد و ۶ ماه اضافه حق التدریس کار می‌کردن بعد به مرور

استخدام میشوند. گرچه افراد خوبی هم بینشون بود ولی در کل این مدل استخدام به شأن معلمان لطمه زد. برای رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری کار معلم به جای کیفیت، نمره دانش آموز و دیگر معیارهای نامناسب، غیرعلمی و ناعادلانه شده معیار ارزشیابی معلم نمونه".

در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا، فرآیند استخدام معلمان و ارتقای ایشان، از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین فرآیندها در سازمانها و ادارات خصوصی و دولتی محسوب می‌شود. تحصیلات دانشگاهی مرتبط با پایه‌های تحصیلی در مدارس و دروس ارائه‌شده، دارا بودن تخصصهای لازم برای مدیریت کلاس و اجرای فنون گوناگون تدریس، دارا بودن شرایط اخلاقی و شخصیتی مناسب در کنار علائق و انگیزه‌های لازم جهت کار در این حرفه حساس و مهم از شرایط کلیدی برای استخدام معلمان است و برای ارتقای شغلی معیارهای کمی و کیفی را همزمان مدنظر قرار می‌دهند. همچنین وجود عدالت شغلی و ایجاد فرصتهای پیشرفت در حرفه نیز از عواملی است که به زعم معلمان منزلت اجتماعی ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود قوانین و اجرای ضوابط و حذف رابطه‌گرایی شرایطی عادلانه را فراهم می‌آورد که طی آن فرصت پیشرفت و ارتقا برای تک‌تک معلمان فراهم می‌شود. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۱۵ سال سابقه) در این باره می‌گوید:

"وجود تبعیضات آزاردهنده و پارتی‌بازی وضعیت معلمان را در جایگاه مناسبی قرار نداده".

این مسئله موجب می‌شود تا معلمان انگیزه خود را برای ادامه کار و تعهد حرفه ای خود از دست دهند.

۳) بعد اجتماعی: سومین بعد مورد توجه در پژوهش حاضر، بعد اجتماعی می‌باشد که شامل مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ مادی جامعه و معیارهای مادی‌گرایانه منزلت اجتماعی، جایگاه پایین در میان سایر مشاغل، عملکرد ضعیف رسانه‌ها و فرهنگ والدین و فرهنگ دانش آموزان است.

• فرهنگ مادی جامعه و معیارهای مادی‌گرایانه منزلت اجتماعی: وجود معیارهای اقتصادی و دیدگاه مادی‌گرایانه در جامعه نسبت به مشاغل از عوامل مؤثر در جایگاه و منزلت اجتماعی آنان است. به عقیده معلمان با وجود مشکلات اقتصادی موجود در حرفه ایشان و وجود فرهنگ مادی‌گرایانه در جامعه امروز، معلمان از منزلت پایینی برخوردارند. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۱۲ سال سابقه) معتقد است:

"نگاه به معلم مثل نگاه به یک مستضعف مالی و فرهنگی که نمیتونه از عهده گذران امورات زندگیش بریاد".

عدم حمایت اجتماعی از سوی نهادهای ذیربط و عدم وجود مراکز فرهنگی فعال و حمایت کننده در سازمان آموزش و پرورش نیز یکی دیگر از دلایل اجتماعی مهم عنوان شده است. معلمی در این باره می‌گوید:

"در جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی مراکز حمایتی وجود ندارد و در صورت موجود بودن بسیار ضعیف عمل می‌کنن".

• فرهنگ والدین و دانش آموزان: عدم احترام از سوی دانش آموزان و والدین یکی از دلایل عدم مطلوبیت جایگاه و منزلت اجتماعی بیان شده است. معلمان معتقد بودند گرچه امروزه خانواده‌ها نسبت به گذشته احترام کمتری برایشان قائل هستند اما والدین، به ویژه والدین تحصیل کرده نسبت به مسئولان و دانش آموزان در قبال معلمان قدرشناس‌ترند. دانش آموزان والدین خود را الگو قرار می‌دهند و ذهنیت ایشان به جامعه نیز سرایت می‌کند که در شکل‌گیری منزلت اجتماعی معلمان نقشی مهم دارد. در واقع دانش‌آموزان و والدین به منزله اعضای جامعه، توانایی تغییر نگرش جامعه را نسبت به حرفه معلمی دارند. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۲۲ سال سابقه) می‌گوید:

"نگرش والدین در منزلت اجتماعی معلمان اثر دارد. نوع رابطه والدین با معلمان و نوع برخوردشون با معلم و حرفه‌ایی که در منزل درباره معلم زده میشه مثل طرفداری کردن یا محکوم کردن معلم می‌تونه در نظر دانش‌آموزان خیلی تأثیر داشته باشه اما مشکل از جایی شروع میشه که این رابطه تبدیل به رابطه کارمند و ارباب رجوع میشه که در این حالت، معلم به دلیل نداشتن ابزارهای قوی در جایگاه ضعیف‌تری قرار میگیره".

نکته قابل توجه در میان عقاید معلمان این بود که دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر نسبت به سالهای بالاتر احترام بیشتری برای معلمان خود قائل هستند و هر قدر به پایه‌های بالاتر می‌رسند از میزان احترام و ارزشی که برای معلم خود قائل اند کاسته می‌شود. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۲۳ سال سابقه) در این باره می‌گوید:

"دانش آموز پایه اول ارتباطش با معلم نزدیک‌تره ولی وقتی میره به پایه‌های بالاتر این فاصله بیشتر میشه. دانش‌آموزان آگاه‌تر میشن و از والدین و رسانه‌ها بیشتر تأثیر می‌گیرن و به مزایا و حقوق معلمی بیشتر توجه میکنند و وقتی با کمبودها آشنا می‌شن حتی یک لحظه حاضر نیستن جای اون معلم باشن و کم کم تو ذهنشون اون احترام و منزلت میاد پایین".

معلمان معتقدند که دانش آموزان همانند سابق به معلمان خود اعتماد ندارند و رابطه استاد و شاگردی در عین روابط صمیمی و سرشار از اعتماد متقابل که در گذشته مرسوم بوده امروزه در جامعه کمتر مشاهده می‌شود. از سویی هم دانش‌آموزان به منابع اطلاعاتی وسیع‌تر و کامل‌تر مانند اینترنت دسترسی دارند و معلم همانند گذشته حاکم مطلق دنیای علم و دانش نیست. این مسئله زمانی نتیجه منفی به همراه دارد که دانش‌آموزان با معلمانی مواجه می‌شوند که به شدت از اطلاعات تخصصی رشته و حرفه خود و اطلاعات عمومی که ذهن دانش‌آموزان امروز را درگیر کرده، فاصله دارند. یکی از معلمان زن (فوق‌لیسانس با ۱۹ سال سابقه) می‌گوید:

"قدیما معلم حاکم و دانای کل بود و اطلاعاتش دانش آموزا رو شگفت زده می‌کرد و این خودش خود به خود حس احترامو به وجود می‌آورد و باعث میشد تو سایر موارد هم به معلم اعتماد کنی اما الان رقیب سر سختی مثل اینترنت داریم که باعث شده اعتقاد سابق خدشه‌دار بشه".

در کنار این موارد، پدیده فرزندسالاری نیز قرار دارد که می‌توان آن را یکی از معضلات موجود در امر تعلیم و تربیت برشمرد. این پدیده به دلیل طرز فکر اشتباه والدین و حمایت‌های بی‌چون و چرا از فرزندانشان به مدرسه نیز سرایت کرده است. معلم مقتدر دیروز جای خود را به فردی داده است که باید تحت اوامر دانش‌آموزان باشد و این مسئله شأن و مقام و جایگاه معلم را در ذهن دانش‌آموز خدشه‌دار می‌کند و از او فردی ضعیف در جامعه می‌سازد. در نهایت دانش‌آموزان با آگاهی از مشکلات حرفه معلمی ذهنیتی را رواج می‌دهند که نتیجه آن چیزی غیر از عدم مطلوبیت منزلت و جایگاه حرفه معلمی در جامعه نیست.

• جایگاه حرفه معلمی در مقایسه با سایر مشاغل: برای تعیین جایگاه و منزلت اجتماعی یک حرفه، عقاید و نظرات افراد جامعه را جویا می‌شوند. در این میان تاکنون مقایسه‌ها و رده‌بندیها بسیار مورد توجه کارشناسان و پژوهشگران بوده است. ادراک معلمان از منزلت اجتماعی حرفه‌شان بیانگر این مطلب است که ایشان این جایگاه را در مقایسه با سایر مشاغل بسیار سطح پایین می‌دانند. یکی از معلمان زن (لیسانس با ۲۴ سال سابقه) در این باره می‌گوید:

"جایگاه اجتماعی معلم باید به گونه‌ای باشد که وقتی نام و مقام معلم رو می‌شنون آرزوی رسیدن به اون جایگاه رو داشته باشن مثل پزشکی و خلبانی. متأسفانه الان یه کارمند معمولی بانک به علت درآمد و مسائل مالی جایگاه بالاتری از معلم داره".

• عملکرد ضعیف رسانه‌ها: رسانه‌ها با وجود تواناییهای بالایی که در زمینه فرهنگ‌سازی از طریق ساخت برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و ... آگاه کردن اقشار گوناگون جامعه از اهمیت نقش

معلمان در پیشرفت جامعه و معرفی افراد موفق در این حرفه دارند، تاکنون اقدامی سازنده و مؤثر که بتواند نقشی مثبت در معرفی منزلت اجتماعی معلمان ایفا کند انجام نداده اند. یکی از معلمان مرد (لیسانس با ۱۶ سال سابقه) می‌گوید:

"کجا فرهنگ سازی شده که معلما به شخصیت بالا هستن؟ مثلا تو کدوم فیلم معلما به شخصیت بالا معرفی شدن؟ فقط تو هفته معلم به روز چند تا معلم فداکار رو نشون میدن. حمایت رسانه‌ها از شغل معلمی مربوط میشه به ۱۲ اردیبهشت".

۴) بعد شخصی: چهارمین بعد، بعد شخصی است که مؤلفه‌های عملکرد ضعیف برخی معلمان، کاهش تعلق حرفه‌ای، احساس و افکار شخصی، ذهنیت معلم، رفتار شخصی و اخلاق حرفه‌ای را شامل می‌شود.

• عملکرد ضعیف برخی از معلمان: عملکرد نامناسب برخی از معلمان، از دلایل دیگری است که در افت جایگاه و منزلت اجتماعی معلمان نقشی مؤثر داشته است. حفظ عزت نفس در ظاهر و باطن نیز در منزلت و جایگاه اجتماعی حرفه‌شان نقشی مهم ایفا می‌کند. یکی از معلمان مرد (فوق لیسانس با ۳۰ سال سابقه) می‌گوید:

"اگه معلم برای خودش ارزش قائل باشه و در ظاهر و باطن منزلت معلمی رو رعایت کنه و در برابر هر کسی خودشو نشکنه و اظهار ضعف نکنه و درد و دل‌های خودشو برای همه بیان نکنه، می‌تونه تو منزلت اجتماعی خودش اثر مثبت بذاره. معلمی فقط به تدریس کتاب درسی نیست. من باید درس زندگی یاد بدم. باید به دانش آموزا بگم چی کار کنن. چه کارایی خوبه چه کارایی بده و وقتی که می‌خوام این حرفا رو بهشون بزنم اول باید خودم این کارا رو رعایت کنم و خیلی شغلاهی خاصو انجام ندم. وقتی می‌خوای حرفت مورد قبول باشه طرف مقابلت باید بدونه که خودتم انجامش می‌دی. بعضی از معلما به کارایی میکنن که آدمای عادی هم انجامش نمی‌دن و برای برآورده کردن نیازهاشون دست به هر کاری میزنن".

برقراری ارتباط معنوی با حرفه معلمی و اعتقاد قلبی به اینکه این حرفه، شغل انبیاست و از قداست الهی برخوردار است در شرایطی که مشکلات اقتصادی و سایر کمبودها گریبانگیر قشر معلمان است، نقشی مؤثر در مطلوبیت جایگاه و منزلت اجتماعی معلمان ایفا می‌کند. عدم برقراری این ارتباط معنوی و بروز برخی رفتارها و اعمال ناخوشایند از سوی معلمان در جامعه و محیط کلاس همانند پرخاشگری و توهین به دانش‌آموزان و والدین ایشان سبب می‌شود تا ذهنیت منفی میان مخاطبان این حرفه شکل بگیرد. یکی از معلمان زن (فوق لیسانس با ۱۰ سال سابقه) می‌گوید:

"با وجود تمام مشکلات و کمبودها آگه معلم به شغلش اعتقاد قلبی نداشته باشه و برای خودش و دانش آموزش احترام قائل نباشه باید فاتحه آموزش و پرورش رو خونند. اعتقاد به الهی بودن این حرفه و رفتار محبت آمیز با دانش آموز و والدینشون نه تنها گره‌های موجود رو کورت‌تر نمیکنه بلکه گاهی گره‌گشایی هم میکنه".

• **تعلق حرفه‌ای:** احساس تعلق به حرفه به مجموعه‌ای از عوامل متعدد وابسته است. از جمله این عوامل منزلت و جایگاه حرفه در جامعه است. بالا بودن منزلت اجتماعی یک حرفه از یک طرف فعالان آن حرفه را به ادامه با انگیزه کار و فعالیت خود ترغیب می‌کند و از طرف دیگر به جذب نیروهای مستعد و توانمند منجر می‌شود. معلمان در این باره نظرات متفاوتی را مطرح کرده‌اند. یکی از معلمان زن (لیسانس با ۲۷ سال سابقه) می‌گوید:

"بخاطر این شغل فرصتهای خوبی رو برای کسب درآمد از دست دادم. حتی از ادامه تحصیل بازموندم. همیشه دوست داشتم موقعیت بهتری نصیب بشه. حتی همین الان آگه موقعیت بهتری پیدا کنم حتماً قبول می‌کنم".

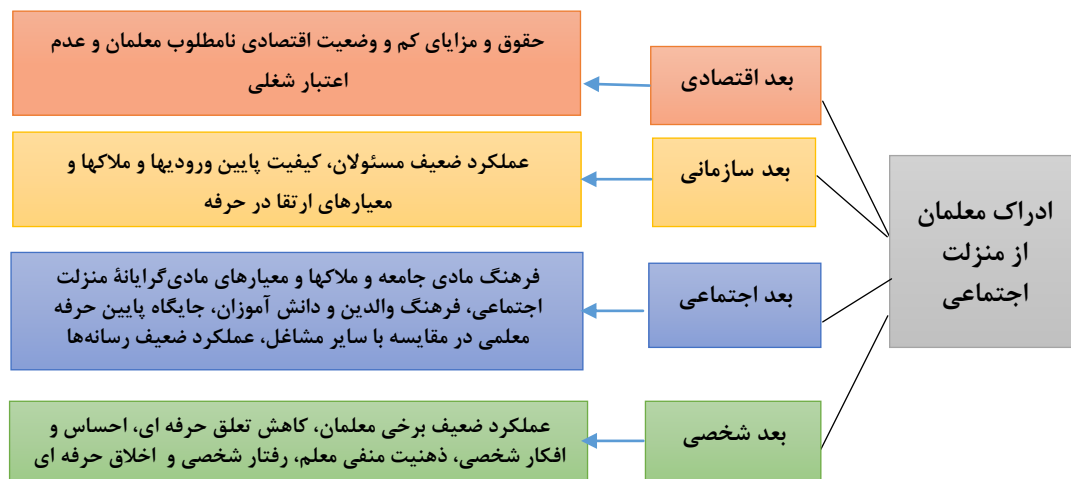
• **احساس شخصی:** مجموعه احساساتی که فرد هنگام انجام دادن حرفه خود دارد به طور مستقیم بر کیفیت کار وی اثر می‌گذارد. این احساسات و عواطف حرفه‌ای محصول رضایت شغلی، منزلت شغلی، عدالت شغلی و ... است. طبق تجربه زیسته و درک اجتماعی معلمان، منزلت اجتماعی کنونی ایشان که از جایگاهی مطلوب نیز برخوردار نیست موجب بروز احساساتی مخرب چون احساس پشیمانی از انتخاب حرفه معلمی، اعتماد به نفس پایین در جامعه، بی‌انگیزه شدن و تمایل به کم‌کاری و بروز خستگی است. نمونه‌هایی از نقل قولها عبارت است از:

"آگه موقعیت بهتری پیش میومد و آگاهی الان رو داشتم این حرفه رو انتخاب نمی‌کردم".
 "این شغل برام تکراری و خسته کننده اس مخصوصاً زمانی که هیچ کس درس رو به خوبی درک نمی‌کنه".

"کار برام یکنواخت شده و احساس فرسودگی می‌کنم. آگه می‌تونستم شغلم رو تغییر می‌دادم".
 با توجه به یافته‌های پژوهش، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ادراک منفی معلمان از منزلت اجتماعی حرفه معلمی در جدول ۱ آمده و سپس در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: مقوله‌ها و زیر مقوله‌های اصلی استخراج شده از یافته‌های پژوهش

مقوله‌ها	زیر مقوله‌ها	روایات
جایگاه در میان سایر مشاغل	جایگاه پایین	معلمان نسبت به سایر مشاغل از جایگاه پایینی برخوردارند.
جایگاه اقتصادی / حقوق / مزایا و امکانات / مشکلات اقتصادی / اعتبار مالی در شغل	سطح اقتصادی ضعیف / قدرت خرید پایین / مشکلات اقتصادی / امکانات کم / نیاز به شغل دوم	به دلیل مشکلات اقتصادی اکثر معلمان به ویژه معلمان مرد به شغل دوم یا سوم نیازمند هستند.
تعلق حرفه ای / احساس و افکار شخصی / ذهنیت معلم	تمایل یا عدم تمایل به ادامه کار / علاقه به خروج از حرفه / بی انگیزگی / کم کاری / خستگی / پشیمانی / اعتماد به نفس / حس افتخار یا سرافکنندگی	به دلیل مشکلات، انگیزه کافی برای ادامه فعالیت وجود ندارد. معلمان به کم کاری رو می آورند و علاقه به خروج از حرفه زیاد شده است.
عملکرد رسانه‌ها	کم توجهی / تبلیغ منفی	برنامه تأثیرگذاری از رسانه‌ها درباره معلمان پخش نمی‌شود.
فرهنگ و رفتار دانش آموزان	بی احترامی	دانش آموزان همانند قدیم به معلمان احترام نمی‌گذارند.
فرهنگ و رفتار والدین	برخورد نامناسب / توقع زیاد	والدین همراه معلم نیستند و پرتوقع هستند.
شرایط استخدام / کیفیت ورودیها / ارتقای حرفه ای / عدالت شغلی / فرصت‌های شغلی /	ورود افراد نالایق و غیر متخصص / معیارهای نامناسب ارزیابی / وجود تبعیض / رابطه گرایی	برای استخدام و ارتقا در حرفه معلمی رابطه گرایی وجود دارد و معیارهای دقیق وجود ندارد.
فرهنگ جامعه / معیارهای اجتماعی	کاهش منزلت / دیدگاه مصرف‌گرایی و مادی‌گرایی / بی اعتمادی	در جامعه برای ارزش‌گذاری بین افراد معیارهای مادی حاکم است.
رفتار شخصی و اخلاق حرفه ای	رعایت یا عدم رعایت شأن معلمی / بی‌اخلاقی	برخی معلمان عزت نفس خود را حفظ نمی‌کنند و برخی نیز با بی‌اخلاقی شأن خود را زیر سؤال می‌برند.
عملکرد مسئولان	اعمال نمادین / شعارها و وعده‌های بی‌عمل / بی‌توجهی به معیشت	حمایت مسئولان از حد شعارها و وعده‌های بی‌عمل فراتر نرفته است.



شکل ۱: ابعاد ادراک معلمان از منزلت اجتماعی‌شان (برگرفته از یافته‌های پژوهش حاضر)

بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی و منزلت اجتماعی معلمان، نشانه‌ای آشکار از روند تعالی یا تباهی هر جامعه است و کیفیت عقلانیت در سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه را نمایان می‌سازد. هدف این پژوهش شناسایی ادراک معلمان از منزلت اجتماعی‌شان بود. روش پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تأویلی و انجام دادن مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. نتایج پژوهش نشان داد که در اکثر موارد، معلمان از منزلت اجتماعی حرفه خود راضی نیستند و ادراک منفی نسبت به منزلت و جایگاه خود در جامعه دارند. البته درصد بسیار کمی از معلمان با وجود بیان مشکلات و کمبودهای موجود از منزلت اجتماعی حرفه خود راضی بودند و دلیل آن را پررنگ بودن ابعاد معنوی حرفه معلمی عنوان کردند. نویدی و برزگر (۱۳۸۲) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که جنبه معنوی حرفه معلمی هنوز نقطه قوت این حرفه می‌باشد و گرچه معلمان از نظر مالی شغل خود را پایین‌تر از سایر مشاغل می‌دانند، اما از لحاظ معنوی خود را بالاتر ارزیابی می‌کنند.

دلایلی را که معلمان درباره پایین بودن منزلت اجتماعی حرفه خود ذکر کرده‌اند در چهار بُعد اقتصادی، سازمانی، شخصی و اجتماعی گنجانده شده‌است. در بُعد سازمانی یکی از مهم‌ترین دلایلی که معلمان برای پایین بودن منزلت اجتماعی‌شان عنوان کرده‌اند، عملکرد ضعیف آموزش و پرورش است. معلمان عملکرد آموزش و پرورش را قابل دفاع نمی‌دانستند و معتقد بودند که با وجود اهمیت زیاد نقش آموزش و پرورش در منزلت اجتماعی معلمان، مسئولان این سازمان به‌منزله متولیان امور معلمان همواره به حمایت‌های لفظی و شعارگونه در سخنرانیها بسنده کرده‌اند و حتی از کوچک‌ترین وظیفه خود که تأمین معاش معلمان به بهترین شکل ممکن است، غفلت کرده‌اند.

دلیل دیگری که در بعد سازمانی منزلت اجتماعی قرار گرفته و مورد توجه معلمان بوده ورود افراد نالایق و ناکارآمد به حرفه معلمی و نبودن معیارهای مناسب و عادلانه برای ارتقای معلمان است. به عقیده ایشان، گاهی افرادی با رشته تحصیلی غیرمرتبط وارد این حرفه می‌شوند و گاهی هم اخلاق و شخصیت مناسب برای حرفه معلمی را دارا نیستند. همچنین آموزش و پرورش معیارها و ملاکهای عادلانه‌ای را برای ارتقای معلمان در نظر نمی‌گیرد و رابطه‌گرایی در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که مقام علمی و آموزشی از عوامل تعیین‌کننده منزلت اجتماعی است (نویدی و برزگر، ۱۳۸۲؛ محسنی، ۱۳۷۹؛ فرسار، ۱۳۷۷). در نتیجه ورود افراد متخصص در

امر آموزش و افراد دارای شرایط اخلاقی مناسب برای حرفه معلمی در کنار پابندی و اجرای قوانین پیشرفت شغلی، بر منزلت اجتماعی معلمان اثر می‌گذارد.

بعد اقتصادی از مهم‌ترین ابعاد مورد توجه معلمان بود. معلمان، وضعیت نامناسب اقتصادی و کم بودن میزان حقوق و مزایا را یکی از دلایل مهم پایین بودن منزلت اجتماعی‌شان عنوان کردند. یکی از عوامل مهم در منزلت و وضعیت بالای یک حرفه، شرایطی است که در آن حرفه فرد از پاداش مالی بالا برخوردار باشد و دستمزد کم یکی از دلایل افت منزلت اجتماعی معلمان است (هارگریوز و همکاران، ۲۰۰۶). با وجود اهمیت این مسئله، معلمان معتقد بودند که با توجه به نقش مهم و حساسی که در جامعه به عهده دارند، به دلیل کم بودن حقوق و مزایا، مشکلات اقتصادی متعدد دارند تا جایی که اکثر معلمان به شغل دوم و گاهی سوم رو می‌آورند؛ به همین سبب معلمی در مقایسه با سایر مشاغل بی‌اعتبار می‌شود. همچنین مسئله اقتصادی دغدغه‌های ذهنی برای معلمان ایجاد می‌کند و سبب عدم انگیزه و عدم تمرکز ایشان در کلاس درس می‌شود و در نهایت به منزلت اجتماعی‌شان لطمه می‌زند.

در کنار مشکلات اقتصادی، به عقیده معلمان وجود معیارهای اقتصادی و دیدگاه مادی‌گرایانه برای ارزش‌گذاری مشاغل دلیل مهم دیگری است که منزلت اجتماعی آنان را پایین می‌آورد. منزلت افراد جامعه ارتباط بسیار با منزلت شغل ایشان دارد. در جامعه ای که مجموعه ای از ارزشهای اقتصادی در آن حاکم است، عملاً اشتغال افراد به کارهای پر درآمد، جایگاه اصلی را به وجود می‌آورد (محسنی، ۱۳۸۸).

افزون بر ملاکها و معیارهای مادی‌گرایانه، بسیاری از معلمان شرکت‌کننده در این پژوهش معتقد بودند که فرهنگ دانش آموزان و والدین درباره احترام به جایگاه معلم نسبت به گذشته تغییر کرده‌است. گرچه والدین به‌ویژه والدین تحصیل کرده در مقایسه با دانش‌آموزان احترام بیشتری برای معلمان قائل هستند اما این احترام در مقایسه با گذشته کمرنگ‌تر شده است. دانش‌آموزان از طرفی از والدین خود الگوبرداری می‌کنند و از طرف دیگر با بالاتر رفتن پایه‌های تحصیلی و دسترسی گسترده به اطلاعات عمومی و تخصصی از طریق منابع اطلاعاتی موجود و نیز گسترش روحیه فرزند سالاری و حمایت بی‌چون و چرای والدین از دانش‌آموزان، رابطه استاد - شاگردی از میان رفته و دانش‌آموزان احترام کمتری برای معلم خود قائل هستند. سام آرام و قائم پور (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سطح منزلت اجتماعی معلمان در میان دانش‌آموزان کمی بیش از حد متوسط است و دانش‌آموزان به مهارت‌های حرفه ای معلمان بیشتر اهمیت می‌دهند.

برای تعیین سطح منزلت اجتماعی یک حرفه، به طور مرسوم در مواردی آن حرفه را با سایر مشاغل جامعه مقایسه می‌کنند. معلمان معتقد بودند که حرفه معلمی با وجود اهمیتی که دارد در مقایسه با سایر مشاغل از جایگاه و منزلتی پایین برخوردار است. طبق نتایج پژوهش هارگریوز و همکارانش (۲۰۰۶) حرفه معلمی در میان ۱۶ حرفه در جامعه، در رده ۱۰ و ۱۲ قرار دارد (معلمان ابتدایی رتبه ۱۰ و معلمان متوسطه رتبه ۱۲). این در حالی است که طبق این نظرسنجی، رتبه‌ای که سزاوار این حرفه در نظر گرفته شده است، پس از جراحان و پزشکان، رتبه ۳ و ۴ است. علیزاده و رضایی (۱۳۸۸) نیز به این نتیجه رسیدند که در میان ۵۰ نوع شغل مورد بررسی، دبیر دبیرستان در رتبه ۳۱ و آموزگار دبستان در رتبه ۳۵ و پایین‌تر از مشاغلی چون کارمند بانک، بیمه، تاجر، بنگاهدار و خواننده بودند. این مسئله شکاف میان سطح مطلوب منزلت اجتماعی و سطح موجود آن را نشان می‌دهد. کنکاش تکمیلی، عمیق‌تر و گسترده‌تر درباره کاهش منزلت حرفه معلمی در مقایسه با سایر مشاغل نقاط اصلی مخاطره‌برانگیز این حرفه را آشکار می‌سازد و زمینه تصمیم‌سازی و اقدامات بهبودبخشی را فراهم می‌کند. پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای آسیب‌شناسانه، ضمن بررسی عمیق‌تر این موضوع، سهم هر یک از عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری این وضعیت نیز شناسایی شود.

بر اساس اظهارنظر معلمان شرکت‌کننده در پژوهش، یکی از مهم‌ترین نهادها و سازمانهایی که توانایی تأثیرگذاری در این زمینه را دارند، رسانه‌ها هستند. عملکرد ضعیف رسانه‌ها که در بعد اجتماعی گنجانده شده است، از دلایلی است که معلمان روی آن تأکید داشتند. به زعم ایشان، رسانه‌ها با وجود توانایی بالا در امر فرهنگ‌سازی و آگاه‌ساختن اقشار مختلف جامعه درباره اهمیت نقش معلم در جامعه، تاکنون به جز چند اقدام سطحی و گذرا در مناسبت‌های خاص، حرکت مثبت و ماندگاری برای شکل‌گیری منزلت اجتماعی درخور و شایسته معلمان انجام نداده‌اند. دلایلی که در این بخش تا اینجا برای پایین‌دانستن منزلت اجتماعی حرفه‌شان ذکر شده در ابعاد سازمانی، اقتصادی و اجتماعی گنجانده شده است. سایر دلایل بعد چهارم منزلت اجتماعی یعنی بعد شخصی را شامل می‌شود. شماری از معلمان معتقد بودند که بروز رفتارهای ناخوشایند معلمان در برابر دانش‌آموزان و والدین موجب شکل‌گیری ذهنیت منفی در جامعه می‌شود و منزلت اجتماعی معلمان را پایین می‌آورد. به این ترتیب از انگیزه و اعتماد به نفس معلمان کاسته می‌شود و منجر به پشیمانی از انتخاب شغل، عدم تمایل به ادامه کار، احساس خستگی، کم‌کاری و عدم تمایل نیروهای مستعد به جذب در این حرفه می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت و منزلت معلمان در جامعه نیازمند بازنگری و حمایت دست‌اندرکاران امر آموزش است. افزایش دستمزد و امکانات مالی، حمایت رسانه‌ها، جذب نیروهای لایق و کارآمد و فرهنگ‌سازی از راهکارهایی هستند که از یک سو به عملکرد مثبت معلمان می‌انجامد و از سوی دیگر موجب بالا رفتن جایگاه معلمی در میان سایر مشاغل و به طبع آن دانش‌آموزان و والدینشان می‌شوند. با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها، فرآیند کاهش تعلق حرفه‌ای معلمان مورد شناسایی و بازنمایی قرار گیرد. همچنین ضرورت دارد با بهره‌گیری از مطالعه‌ای کمی، سهم هر یک از ابعاد چهارگانه شناسایی شده در نارضایتی معلمان تعیین شود.

منابع

بازرگان، عباس. (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر روشهای تحقیق کیفی و آمیخته (رویکردهای متداول در علوم رفتاری)*. تهران: دیدار.

بقایی سرابی، علی. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر منزلت اجتماعی ادراک شده بر عملکرد شغلی. *مطالعات علوم اجتماعی ایران (دانشگاه آزاد واحد خلیخال)*، (۸)، ۱۲۴-۱۴۴.

سام آرام، عزت‌الله و قائم‌پور، محمدعلی. (۱۳۹۰). سنجش منزلت اجتماعی معلمان در بین دانش آموزان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳ (۴)، ۷۷-۸۷.

صافی، احمد. (۱۳۹۰). *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه*. چاپ چهارم، تهران: سمت. عزیزاده، ابراهیم و رضایی، علی محمد. (۱۳۸۸). بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته. *فصلنامه نوآوریهای آموزشی*، ۱ (۲۹)، ۷-۲۶.

فرسار، احمد. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی: اصول، مبانی و نظریه پردازان*. تهران: اوحدی.

قاسمی‌نژاد، افسر و اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۳). بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش آموزان مدارس

راهنمایی تحصیلی و متوسطه استان اصفهان. *فصلنامه آموزشی، پژوهشی، تربیتی آموزه*، (۲۳)، ۴۲-۴۷.

کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۹). نگرش مردم درباره منزلت مشاغل در ایران و ارزیابی میزان ارتباط آن با ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی افراد. *مجله کار و جامعه*، (۱۲۸)، ۴۳-۴۴.

محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). *مقدمات جامعه شناسی*. تهران: دوران.

_____ (۱۳۸۸). *جامعه شناسی عمومی*. تهران: کتابخانه طهوری.

میچل، ترنس آر. (۱۳۸۳). *مردم در سازمان‌ها: زمینه رفتار سازمانی*، ترجمه حسین شکرشکن. تهران: رشد.

میرزاییگی، علی. (۱۳۸۷). *برنامه‌ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی*. چاپ سوم، تهران: یسپرون.

نویدی، احد و برزگر، محمود. (۱۳۸۲). *راههای ارتقاء منزلت اجتماعی معلمان*. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۱۸ و ۱۹ (۲)، ۵۵-۱۰۰.

نیک‌گوهر، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: توتیا.

Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (3rd ed.). London: Sage Publications Inc.

Hargreaves, L., Cunningham, M., Everton, T., Hansen, A., Hopper, B., McIntyre, D., ... & Wilson, L. (2006). *The status of teachers and the teaching profession: Views from inside and outside the profession: Interim findings from The Teachers Status Project*. Research Report No 755. London: DfES.

Streubert, H.J., & Carpenter, D.R. (2011). *Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative* (5th ed.). Philadelphia, Pa.; London: Lippincott Williams & Wilkins.